


Division of Philosophical Rationalities based on the Way of Formation and Realism from Allameh Tabatabai's Viewpoint

Farang Qobadi 

Ph.D. in Islamic Philosophy and Theology,
Science and Research Branch, Islamic Azad
University, Tehran, Iran

Hossein Houshang *

Associate Professor of Islamic Philosophy and
Theology, Imam Sadegh University, Tehran,
Iran.

Abstract

The main concern in the discussion of philosophical rationalities is epistemology. Secondary rationalities have an origin in the mind, the question of whether or not these concepts apply outside the mind is important. By what mechanism or process does the mind achieve them? How and in what form is the realization of the rationalities of the second? Allameh Tabatabai knows how to obtain philosophical concepts in two ways: present knowledge and analysis of verdicts in propositions. The relationship between these two methods is not without ambiguity and Allameh has raised both in parallel. He prefers the second way, in the way of realism, he believes that the philosophical rationalities of the second are the discoverers of the real world through the relational beings who are in the mind and the exact same. Secondary philosophical intellects have a hierarchy in the way of abstraction and realism that are completely different from each other. In this article, we will examine Allameh Tabatabai point of view with an analytical method.


Keywords: Philosophical Secondary Intellects, Realism, Abstraction, Allameh Tabatabai.

* Corresponding Author: h.houshang@isu.ac.ir

How to Cite: Qobadi, F., Houshang, H. (2022). Division of Philosophical Rationalities based on the Way of Formation and Realism from Allameh Tabatabai's Viewpoint, *Hekmat va Falsafeh*, 18(70), 85-108.

تقسیم‌بندی معقولات ثانیه فلسفی بر اساس نحوه شکل‌گیری و واقع‌نمایی از دیدگاه علامه طباطبائی

دانش آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد
اسلامی، تهران، ایران

فرنگ قبادی 

دانشیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

حسین هوشنگی  *

چکیده

دغدغه اصلی در بحث معقولات ثانیه فلسفی، معرفت‌شناختی است. معقولات ثانیه خاستگاه و منشأیی در ذهن دارند، مسئله مصداق داشتن یا نداشتن این مفاهیم در خارج از ذهن مهم است. ذهن تحت چه مکانیسم یا فرآیندی به آن‌ها نائل می‌شود؟ واقع‌نمایی معقولات ثانیه چگونه و به چه صورت است؟ علامه طباطبائی نحوه حصول مفاهیم فلسفی را به دو روش می‌داند: علم حضوری و تحلیل حکم در قضا یا رابطه میان این دو روش خالی از ابهام نیست و علامه هر دو را به موازات هم مطرح کرده است. ایشان راه دوم را ترجیح می‌دهد، در نحوه واقع‌نمایی معتقدند معقولات ثانیه فلسفی از طریق وجودهای رابطی که در ذهن و عین دقیقاً یکی هستند کاشف از عالم واقع می‌باشند. معقولات ثانیه فلسفی در نحوه انتزاع و واقع‌نمایی سلسله مراتبی دارند که کاملاً از همدیگر متمایزند. در این مقاله با روش تحلیلی به بررسی چگونگی دیدگاه علامه طباطبائی خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: معقولات ثانیه فلسفی، واقع‌نمایی، انتزاع، علامه طباطبائی.

۱- مقدمه

ادراکات در نزد فیلسوفان اسلامی به چهار قسم حسی، خیالی، وهمی و عقلی تقسیم می‌شود که به عقیده آن‌ها معقول مفهوم کلی می‌باشد که بر امور کثیری قابل انطباق می‌باشد، هیچ مفهوم جزئی معقول نمی‌باشد معقولیت مشروط به صفت کلیت است و تقسیماتی که در مقولات پدید می‌آورند به مفاهیم کلی وابسته است نه امور جزئی (ابن سینا، ۱۴۰۳: ۲۱۱).

اهمیت معقولات ثانی فلسفی تا آنجاست که برخی از فلاسفه معتقدند اگر معقولات ثانیه فلسفی نباشد فلسفه حقیقی نخواهد بود (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۷۶). برخی بر این اعتقاد هستند که در تاریخ فلسفه مسلمانان علامه طباطبائی اولین کسی هست که به‌طور گسترده و مبسوط به بحث منشأ معقولات ثانیه فلسفی پرداخته است و اگر فیلسوفان قبل از ایشان به این مبحث پرداخته‌اند در حد اشاره‌های پراکنده بوده است (مصباح یزدی، ۱۴۰۵: ۳۸۹؛ اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۴۶۷-۴۶۸).

در این مقاله ضمن تعریف معقولات ثانیه فلسفی به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود: نحوه انتزاع مفهوم وجود از نظر علامه چگونه است؟ معقولات ثانیه فلسفی چگونه انتزاع می‌شوند؟ آیا از نظر علامه معقولات ثانیه واقع‌نما هستند؟

۱- معقولات ثانیه فلسفی کلیاتی هستند که از امور ذهنی و معقولات اولی به علم حضوری انتزاع شده‌اند. لذا منشأ آن‌ها همان ذهن است؛ به عبارت دیگر معقولات ثانیه فلسفی ظرف عروضشان ذهن و ظرف اتصافشان خارج است (علامه طباطبائی، ۱۳۸۱ ب: ۱۳۱). این ویژگی معقولات ثانیه فلسفی بسیار مسئله‌ساز است؛ زیرا اولاً این مفاهیم توسط ذهن انسان ساخته و پرداخته می‌شوند، نه اینکه عیناً در عالم واقع محقق باشند. ثانیاً این مفاهیم تنها سرمایه فلسفه و معرفت فلسفی هستند. با توجه به این امر، هرگونه تشکیک یا سستی در نسبت آن‌ها با عالم واقع منجر به از بین رفتن جنبه معرفت‌شناختی کل فلسفه می‌شود. اهمیت این موضوع بدان جهت است که شناخت فلسفی از جهان و امور واقع فقط و فقط با وساطت این مفاهیم رخ می‌دهد. دفاع از واقع‌نمایی این مفاهیم یکی از وظایف اصلی هر فیلسوفی است که می‌خواهد از اصل فلسفه به‌عنوان یک معرفت معتبر دفاع کند.

چه بسا به این دلیل بود که علامه طباطبائی در آثار فلسفی خویش، بیش از گذشتگان، به این مسئله اهتمام جدی نشان داد و از آنجا که در زمان ایشان اعتبار فلسفه مورد تردید قرار گرفت وی به جنبه کاشفیت از واقع در مفاهیم فلسفی عنایت بیشتری داشت. به همین دلیل کیفیت انتزاع مفاهیم فلسفی یا همان معقولات ثانیه فلسفی در آثار ایشان جایگاه خاصی یافت و ایشان نظریات واضحی در این خصوص بیان کرد. در زمینه نوآوری مقاله حاضر می‌توان این موارد را برشمرد: تبیین آراء نظریات علامه طباطبائی، بازخوانی و ارزیابی معقولات ثانیه فلسفی از دیدگاه علامه طباطبائی، بررسی جایگاه معرفت‌شناختی معقولات ثانیه فلسفی در شناخت نفس‌الامری و دفاع از رئالیسم. تبیین موضوع رئالیسم پیچیده با تکیه بر واقع‌نمایی معقولات ثانیه. تقسیم‌بندی نحوه شکل‌گیری معقولات ثانیه فلسفی از دیدگاه علامه طباطبائی، تلاش برای وصول به یک نظریه جامع، از یک سو بررسی و ارزیابی انواع تبیین‌ها از نحوه انتزاع معقولات ثانیه فلسفی و پیگیری ارزیابی ارتباط این تبیین‌ها با واقع‌نمایی آن معقولات است.

پژوهش‌های انجام‌شده در این موضوع عبارت‌اند از: علیرضا دُرّی نورگورایی (۱۳۹۶)؛ عبدالله نصری (۱۳۸۰)؛ علی فتحی (۱۳۸۷). در این پژوهش‌ها هر کدام یا به جنبه خاص و یا تطبیق نظر علامه با فیلسوفان غرب پرداخته است و هیچ‌کدام به بررسی تقسیم‌بندی معقولات ثانیه فلسفی بر اساس نحوه انتزاع و واقع‌نمایی از دیدگاه علامه طباطبائی اختصاص ندارد.

۲- انتزاع

انتزاع در فلسفه شامل عمل ویژه ذهن است؛ ذهن بعد از اینکه موارد مشابه را درک کرد و به مقایسه آن‌ها می‌پردازد؛ در این مقایسه مختصات ویژه هر یک را از خصوصیات مشترک آن‌ها جدا کرده و از آن ویژگی مشترک مفهوم کلی شکل می‌گیرد که قابل صدق بر همه آن افراد کثیر است، در این حالت می‌توان گفت که مفهوم کلی از آن افراد انتزاع شده است؛ همانند مفهوم انسان که از حسن و حسین و غیره انتزاع می‌شود به این عمل خاص ذهنی، تجرید نیز می‌گویند (شیروانی، ۱۳۸۶: ۲۹)؛ بنابراین انتزاع در فلسفه تجرید نیز نامیده

می‌شود. البته نظر دیگر آن است که برای انتزاع مفاهیم کلی ادراکات حسی صرفاً زمینه و پیش‌نیاز است؛ یعنی با حصول ادراکات جزئی حسی مربوط به امور طبیعی و سپس ادراک خیالی آن‌ها در ذهن، عقل یا نفس مستعد می‌شود تا به مفاهیم کلی آن‌ها دست یابد (حسین‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۴).

۳- واقع‌نمایی (رنالیسم)

ازلحاظ لغوی realism ترکیبی از دو کلمه رئل (real) و پسوند ism است. کلمه (real) یعنی (واقعی) و از مشتقات res در لاتین به معنای شیء است. این کلمه در زبان فارسی به معنای واقعی، درست، واقع و حقیقت گرفته شده است. واقع متضمن مفهوم صدق (truth) یا حقیقت هم هست. ترکیب آن دو کلمه به معنای «واقع‌گرایی»، «واقع‌بینی» و مکتب «اصالت واقع» است (عارفی، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۷؛ قائمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۶۹). هدف این واژه در فلسفه دست‌یابی به واقعیت است (گران، ۱۳۷۵: ۴۶). رنالیسم در یک تقسیم‌بندی کلی و اولیه به دو نوع تقسیم می‌شود: خام و پیچیده. در رنالیسم خام جهان خارج به‌طور کامل و شفاف در ذهن انسان منعکس می‌شود. گویی که ذهن انسان آیینه‌ای است که تصویر جهان عینی در آن نقش می‌بندد. لذا معرفت چیزی نیست مگر نسخه دیگری از واقعیت عینی. در مقابل این دیدگاه، رنالیسم پیچیده یا انتقادی قرار می‌گیرد که معرفت را نسخه‌بدل واقعیت عینی نمی‌داند. در این رنالیسم واقعیت آن‌گونه که هست در ذهن نقش نمی‌بندد و دچار تغییراتی می‌شود. ذهن به‌طور کامل منفعل نیست؛ معرفت کنشی خلاقانه و پیچیده است (صادقی، ۱۳۹۱: ۳۳).

می‌توان گفت رنالیسم دیدگاهی است که در آن به اموری که داخل در متن واقع و خارج از ذهن انگاشته می‌شود، اهتمام ویژه دارد، پس رنالیسم به معنای اصالت واقعیت است. واقعی به معنی خارجی در مقابل اعتباری و ذهنی و معنوی استعمال می‌شود؛ یعنی موجود در متن واقع و ثابت در ظرف خارج. برحسب واقع‌گرایی شناسایی ما به امور خارجی تعلق می‌گیرد، نه فقط به‌صرف ادراکات ما نسبت به امور خارجی (پال موزر، ۱۳۹۳: ۲۹۲-۲۲۴؛ عارفی، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۲).

در فلسفه اسلامی و به خصوص پیش از ملاصدرا این واژه بار معنایی خاصی را افاده می‌نماید مقصود از واقع‌نمایی این است که ادراک آدمی کاشف از واقع است. سهروردی در حکمه الاشراق بر این نگرش چنین تأکید می‌نماید: وقتی چیزی را ادراک می‌کنی، مثال حقیقت آن چیز برای تو حاصل می‌شود؛ زیرا اگر در این ادراک، اثری از آن چیز در تو حاصل نشود، لازم می‌آید حالت تو پیش و پس از آن یکسان باشد و اگر پس از علم در تو اثری از آن حاصل شود اما این اثر مطابق آن چیز نباشد پس حقیقت آن را ادراک نکرده‌ای، بنابراین باید ادراک تو مطابق آن چیز باشد و آن اثری که در تو می‌گذارد مثال آن چیز باشد (سهروردی، ۱۳۸۰: ۱۵). وقتی به چیزی علم پیدا می‌کنیم اثری از آن در ما پیدا می‌شود، حال این اثر یا مطابق با شیء است یا نیست اگر مطابق با آن است پس مطلوب اثبات می‌شود لکن اگر مطابق با آن نباشد آن شیء را همان‌طور که هست ادراک نکرده و شناختی از آن پیدا نکرده‌ایم. درحالی که فرض ما این است که آن را ادراک نموده‌ایم؛ بنابراین ادراک مطابق با آن مدرک است. ملاصدرا: «علم به هر چیزی، هستی علمی همانشی معلوم می‌باشد و هستی علمی شیء معلوم دیگری نیست مگر اینکه برای آن چیز همان‌گونه که صورتی عینی در خارج از ذهن موجود است به همان‌گونه صورتی هم از همان چیز» در ذهن موجود است که وجود علمی همان شیئی است که هستی عینی دارد (حائری، ۱۳۶۰: ۱۴).

رنالیسم در حوزه معرفت‌شناسی به دیدگاهی اطلاق می‌شود که بر اساس آن، شناخت مستقیم جهان خارج امکان‌پذیر است.

۴- معقولات ثانیة فلسفی

در یک تقسیم‌بندی کلی، مفاهیم کلی سه دسته می‌شوند: الف: مفاهیم ماهوی (معقولات اولیه) ب: معقولات ثانیة؛ این معقولات اخیر نیز به دو قسم منطقی و فلسفی تقسیم می‌شود. معقولات اولیه مفاهیمی هستند که دارای مابازای خارجی‌اند، یعنی در خارج وجود فی‌نفسه دارند. اگرچه این وجود فی‌نفسه، متعلق به غیر و برای غیر بوده باشد. این دسته از مفاهیم هم وصف‌اشیای خارجی هستند و هم در خارج عارض بر موضوعشان می‌شوند

(السبزواری، ۱۳۸۰: ۱۶۵).

در میان مفاهیم کلی فلسفی اسلامی، مواردی همچون وجود، عدم، وجوب، امکان، علیت و ... هست که در فلسفه اسلامی توجه خاصی به آن‌ها شده است و «معقول ثانی فلسفی» نام گرفته‌اند (کرجی، ۱۳۸۱: ۲۶۲). معقولات ثانیه فلسفی مفاهیمی هستند که دارای مابه‌ازای خارجی و وجود فی‌نفسه و مستقلی نیستند، بلکه موجود به وجود موضوع خود می‌باشند. این مفاهیم به سبب تحلیل عقلی از امور خارجی انتزاع می‌شوند و وجودی تفکیک‌ناپذیر از وجود منشأ انتزاع خود دارند. علت و معلول از این نوع مفاهیم هستند. زمانی که گفته شود «آتش علت حرارت می‌باشد» و «حرارت معلول آتش است» این گونه نیست که به جزء آتش و حرارت، دو چیز دیگر به نام علت و معلول وجود داشته باشد که جمعاً چهار چیز شوند بلکه آن چیزی که در خارج است همان آتش است که به سبب رابطه خاصی که با حرارت دارد مفهوم علت قابل انتزاع از آن بوده و بر آن حمل می‌شود. پس هرچند علت یک صفتی برای آتش خارجی می‌باشد اما این گونه نیست که وجودی مستقل و فی‌نفسه داشته باشد که در خارج بر آتش عارض شده است، بلکه این ذهن است که این وصف را انتزاع می‌کند و حمل بر آتش می‌شود، همه مفاهیم فلسفی از این نوع می‌باشند (شیروانی، ۱۳۷۷: ۱۵۵-۱۵۴). معقولات ثانیه یا معقولات درجه دوم از آن جهت به این اسم نامیده شده‌اند که از لحاظ ادراک در ذهن در درجه دوم قرار گرفته‌اند؛ یعنی در وهله اول معقولات اولیه برای ذهن حاصل می‌شوند و در وهله دوم معقولات ثانیه به‌عنوان صفت و حالت معقولات اولیه، در ذهن پدید می‌آیند. (عبودیت، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۱۳) معقولاتی که اتصاف آن‌ها خارجی و عروض آن‌ها ذهنی است، به این معنا می‌داند که آنچه از این مفاهیم در خارج است وجود رابط و معنای حرفی آن‌هاست (مطهری، ۱۳۸۹، ۱: ۲۸۵)؛ مفهوم «هستی» به این شکل از خارج گرفته شده است که بعد از آن که معقولات اولیه به ذهن می‌آید و بعد از آن که رابطه‌ها به ذهن می‌آید، این مفهوم از همان رابطه‌ها انتزاع می‌شود؛ زیرا وجود فی‌نفسه‌ای در عرض وجود فی‌نفسه موصوف خارجی نیست. وجود رابط و حرفی در عینیت با وجود موصوف خود، موجود است و نسبت به آن حالت

انضمامی ندارد یعنی در حاق ذات آن مقرر است و از آن انتزاع می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۶: ۳۲۶). این‌ها باینکه مصداق مستقلی در عالم خارج ندارند، ولی درعین حال با واسطه از خارج گرفته شده‌اند. در ابتدا این‌ها به صورت یک معانی حرفی در رابطه میان دو معقول اولی که آن دو معقول اولی از راه حواس و تماس مستقیم ذهن با یک پدیده پیدا شده است. معانی و مفاهیم را که تصویر مستقیم خارج نیستند اما به وساطتی از خارج گرفته شده‌اند باید «مفاهیم غیرمستقیم» نامید. معقولات اولیه را باید گفت «مفاهیم مستقیم» پس معقولات ثانیه فلسفی شناخت را گسترش می‌دهند و ابزار شناخت انسان واقع می‌شوند. (مطهری، ۱۳۸۳: ۳۰۴-۳۰۲).

بررسی تقسیم‌بندی نحوه حصول، همچنین مسئله واقع‌نمایی آن‌ها از دیدگاه علامه طباطبائی مهم است.

۵- تقسیم‌بندی نحوه انتزاع معقولات ثانیه فلسفی از دیدگاه علامه طباطبائی

از دیدگاه علامه معقولات ثانیه واجد جنبه فلسفی است. معقولات ثانیه وسیله‌ای است برای ذهن که علی‌رغم تصورات ماهوی که انواع و اجناس به صورت جدا و مابین تصور می‌شود، تمام جهان را تحت مفاهیم و عناوین مشترک و مشابهی در می‌آورد. اگر معقولات ثانیه را نداشتیم، مفاهیم عامه که سراسر هستی را شامل می‌شود را هم نداشتیم. علامه طباطبائی نحوه حصول مفاهیم فلسفی را به دو روش می‌داند: علم حضوری و تحلیل حکم در قضایا. معتقدند: صورت‌گیری و صورت‌سازی مربوط به قوه‌ای است به نام خیال. کار این قوه این است که از وجود خارجی، وجود ذهنی می‌سازد یا علوم حضوری را به علوم حصولی تبدیل می‌کند. این صورت‌سازی در دو بخش انجام می‌شود. بخش اول مربوط به مفهوم‌سازی از یافته‌های حسی از اشیاء خارجی است. بخش دوم مربوط به مفهوم‌سازی از یافته‌های حضوری از امور نفسانی است. قاعده کلی عمل قوه خیال در دو بخش عبارت است از تبدیل پدیده ذی اثر به پدیده بی‌اثر؛ یعنی خارجی به ذهنی. این قوه در هر دو قسمت با واقعیت معلوم اتصال وجودی دارد و به خاطر این اتصال از آن واقعیت تصویر برمی‌دارد. حقیقت آن شیء در این تصویر محفوظ است، اما با حذف آثار خارجی. آن

تصویرهایی که قوه خیال از یافته‌های حسی از جهان می‌سازد، همه از سنخ صور جزئیته خیالی افراد خارجی است. سپس مفاهیم کلی ماهوی و معقولات اولی شکل می‌گیرند؛ یعنی آنچه در بخش اول به دست می‌آید عبارت است از مفاهیم کلی ماهوی و مصادیق جزئی خیالی آن‌ها؛ اما در بخش دوم از فعالیت قوه خیال ما به مفاهیم فلسفی و معقولات ثانیه می‌رسیم که از آن‌ها به مفاهیم اعتباری به معانی خاص اعتباریات فلسفی تعبیر می‌شود. اتصال قوه خیال به حالات نفسانی از این جهت است که نفس خود و حالات درونی و انواع ادراکات خود را به علم حضوری می‌یابد؛ زیرا قوه خیال از قوای نفس است و با این پدیده‌های درونی اتصال وجودی دارد. لذا به عکس برداری می‌پردازد؛ عملیاتی که همان تبدیل این حقایق به پدیده‌های بی‌اثر است (طباطبائی، ۱۳۷۹: ۵۷). در پاسخ به چگونگی وجود معقولات ثانیه دو اصطلاح «عروض ذهنی و اتصاف خارجی» به‌عنوان پاسخ به این پرسش قابل‌بیان است به این منظور، علامه به این دو اصطلاح پرداخته است. علامه در نهایه فقط اتصاف خارجی توضیح داده‌اند. توضیح این اصطلاح، برای فهم نحوه وجود معقولات ثانی در خارج بسیار سودمند است (مصباح، ۱۳۹۳: ۲۴۴-۱۶۶).

به‌طور کلی علامه طباطبائی معتقد است در حصول معقولات ثانیه فلسفی، ذهن فعال است و این مفاهیم به‌گونه‌ای حاصل فعالیت ذهن هستند. معتقدند سه نوع مفاهیم اعتباری که معقولات را در بر دارند عبارت‌اند از: ۱- مفاهیمی که حیثیت مصداقشان حیثیت در خارج بودن و منشأ آثار خارجی بودن است؛ مانند وجود. ۲- مفاهیمی که حیثیت مصداقشان آن است که در خارج تحقق نداشته باشد مانند عدم. ۳- دسته دیگر مفاهیمی هستند که جزو هیچ‌کدام از موارد قبلی نیستند. منظور چنین مفاهیمی است: حدوث، امکان، علیت و... (طباطبائی، ۱۳۸۱: ۱۳۲-۱۳۱)، برای انتزاع هر کدام از این مفاهیم از نگاه علامه طباطبائی بخش جداگانه‌ای اختصاص یافته است:

۱-۵- نحوه انتزاع مفهوم وجود

در باب مفهوم وجود، علامه به انتزاع این مفهوم از حکم می‌پردازد. اصل دخیل بودن ذهن در راستای تحقق مفاهیم فلسفی، به‌ویژه مفهوم وجود، در «حکم» میان دو سوی قضایا

خلاصه می‌شود که این حکم نزد علامه فعل نفس بوده و نوعی کاشفیت از خارج هم دارد. وی معتقد است ذهن با توجه به این فعل خود که وجود رابط، قائم به طرفین قضیه است، ابتدا آن را به صورت اضافی و وجود رابطی لحاظ کرده، سپس به کلی آن را از اضافه تجرید می‌کند و مفهوم «وجود» این‌گونه متولد می‌شود. سپس این مفهوم با دخالت ذهن (بر اساس صدق منشأ انتزاع آن یعنی «حکم» بر امور خارجی) بر مصادیق خارجی صدق می‌کند. در حقیقت علامه معتقد است مفهوم وجود چون از حکم که حقیقتی ذهنی است انتزاع شده است در اصل از همین حقیقت ذهنی حکایت می‌کند، اما ذهن آن را بر مصادیق خارجی منطبق می‌سازد (طباطبائی، ۱۳۷۶: ۵۹).

علامه درباره نحوه انتزاع مفهوم وجود می‌گوید: از حکمی که در قضایای موجب است می‌توان مفاهیمی را به دست آورد که حیثیت مصادیق آن‌ها بودن در خارج باشد و بالعکس. از عدم حکم در قضایای سالبه مفاهیمی حاصل می‌شود که حیثیت مصادیقشان حیثیت در خارج باشد. حکم هم شامل حمل شایع و هم به حمل اولی می‌باشد ولی به سبب این که معنی غیرمستقل و حرفی بوده و وجود رابط است قادر نیست حاکی از وجودهای مستقل باشد ولی با نظر استقلالی نفس، ابتدا به‌طور مقید سپس با حذف قید به‌طور مطلق از آن‌ها معانی اسمی مناسب را به دست آورد. پس می‌توان گفت نفس قادر است معانی نسبی و حرفی را با نظر مستقل ببیند؛ قابل ذکر است که حیثیت مصادیق مفهوم «وجود» حیثیت بودن در خارج می‌باشد. به همین جهت این مفاهیم بر اموری صادق هستند که فرد آن مفهوم نبوده بلکه فقط مصداق آن مفهوم می‌باشند به صورتی که همان‌طور که مفهوم ماهیت در افرادش مأخوذ است مفهوم وجود نیز در آن‌ها مأخوذ باشد. نتیجه این که برخلاف مفاهیم ماهوی که هم فرد و هم مصداق دارند مفهوم وجود فرد ندارد ولی مصداق دارد به سبب این که فرد یکشی شامل همان شیء همراه با خصایص و مختصات آن می‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۱: ۱۳۹-۱۳۶).

۲-۵- نحوه انتزاع مفهوم عدم

علامه طباطبائی درباره مفهوم عدم و مفاهیم عدمی به تفصیل راهی را نشان می‌دهد که مشابه

با راه تحصیل مفهوم وجود و صفات آن است.

علامه درباره مفهوم عدم معتقدند: وقتی که یکی از ماهیات محسوس همچون سیاهی برای نفس حاصل شد و به وسیله خیال ثبت و بایگانی شد و بعد از آن ماهیتی مابین با آن مثل سفیدی را ادراک کرد، در این حالت ماهیت دوم را عین ماهیت اولی قابل انطباق با آن نمی‌یابد؛ اما در عین حال نفس این «عدم فعل» را یک «فعل» برای خود اعتبار می‌کند که همان «سلب حمل» در برابر «حمل» است. نفس می‌تواند این سلب حمل را، در صورتی که به طرفین خود مضاف می‌باشد از منظر استقلالی ببیند و مفهوم سلب محمول از موضوع از آن اخذ کند بعد از حذف قید آن، تصورش از آن مطلق باشد. مفهوم عدم و سلب به این نحو در نفس به وجود می‌آیند. بعد از این که در ذهن مفهوم عدم نقش بست، نفس برای آن لزوماً خصوصیتی قرار می‌دهد. در حقیقت ناچار است مختصات و احکام عدم را ادراک کند و اموری مثل: عدم تمایز بین عدم‌ها و امتیاز اعدام از همدیگر به سبب اضافه به موجودات را ملاحظه می‌کند (طباطبائی، ۱۳۸۱: ۱۴۰-۱۳۹).

۳-۵- نحوه انتزاع سایر مفاهیم

علامه طباطبائی نحوه انتزاع سایر مفاهیم را به طور مستقل و به تفصیل بررسی نمی‌کند و تنها به اشاره‌ای اکتفا می‌کند. به نظر می‌رسد از نظر ایشان همه معقولات ثانیه را می‌توان با توجه به نحوه انتزاع دو مفهوم وجود و عدم تبیین کرد. چرا که معتقد است پس از تشکیل مفهوم «وجود» در نفس، ذهن از مصادیق این مفهوم، صفات و ویژگی‌های خاص «وجود» را انتزاع می‌کند؛ چیزهایی مانند وجوب، وحدت، کثرت، قوه و فعل؛ بنابراین علامه در بیان انتزاع بر مفاهیم فلسفی مثل وجوب، وحدت، کثرت و غیر آن که حاکی از صفات وجودند به همین مقدار اکتفا می‌کنند که بعد از انتزاع مفهوم وجود این مفاهیم از مصادیق مفهوم وجود انتزاع می‌شوند (همان: ۱۴۱).

۶- تقسیم‌بندی نحوه واقع‌نمایی معقولات ثانیه فلسفی از دیدگاه علامه

طباطبائی

علامه طباطبائی برای اثبات عالم خارج از راه حواس و تماس مستقیم با واقعیت شیء محسوس استدلالی اقامه می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۶ ب: ۱۳۶-۱۳۵). ایشان در ابتدا علم را به جزئی و کلی تقسیم می‌کنند؛ زیرا اگر علم قابل انطباق بر بیش از یک فرد نباشد جزئی است و اگر قابل انطباق بر بیش از یک فرد باشد کلی است. علم اخیر پس از تحقق علم به جزئیات می‌تواند تحقق پیدا کند؛ یعنی، برای مثال، ما نمی‌توانیم انسان کلی را تصور کنیم مگر این که قبلاً افراد و جزئیاتی از انسان را درک کرده باشیم. چرا که اگر چنان چه ما می‌توانستیم کلی را بدون هیچ‌گونه یگانگی و رابطه با جزئیات خودش تصور کنیم، نسبت آن کلی مفروض به جزئیات خودش و غیر آن‌ها یکسان بود. در این صورت یا بر همه چیز منطبق می‌شد یا به هیچ‌چیز منطبق نمی‌شد. درحالی که ما مفهوم انسان را مثلاً فقط بر جزئیات خودش تطبیق کرده و بر غیر جزئیات خودش قابل انطباق نمی‌دانیم. پس ضرورتاً نوعی رابطه خاص میان تصور انسان کلی و تصور جزئیات انسان موجود بوده و نسبت میان آن‌ها ثابت و غیرقابل تغییر است.

از نظر علامه طباطبائی می‌توانیم همین بیان را میان صورت خیالی و صورت محسوسه جاری سازیم؛ زیرا اگر چنان چه یک نوع یگانگی و رابطه میان صورت خیالی که بی واسطه حواس تصور می‌کنیم و میان صورت محسوسه همان تصور خیالی موجود نبود، باید هر صورت خیالی بر هر صورت حسی منطبق شود یا بر هیچ صورتی منطبق نشود. ولی واقعیت این است که وقتی صورت خیالی فردی را تصور می‌کنیم، فقط بر صورت محسوسه همان فرد منطبق بوده و به‌غیراز او با هیچ‌چیز دیگر هرگز تطابق ندارد. پس یک نوع رابطه حقیقی میان صورت محسوسه و صورت متخیله و میان صورت متخیله و مفهوم کلی و میان صورت محسوسه و مفهوم کلی وجود دارد.

مبنای این رابطه از این قرار است که اگر چنان چه ما می‌توانستیم مفهوم کلی را بدون صورت محسوسه بسازیم، در ساختن آن یا «منشأ آثار بودن» را ملاحظه می‌کردیم یا نه؟ یعنی در تصور انسان کلی یک فرد خارجی، منشأ آثار را در نظر گرفته و مفهوم کلی بی آثار را درست می‌کردیم یا نه؟ در حالت اول باید حقیقت منشأ آثار را قبلاً یافته باشیم و

آن، همان صورت محسوسه است. در حالت دوم صرفاً یک واقعیتی از واقعیات‌های خارجی درست کرده‌ایم نه یک مفهوم ذهنی؛ زیرا وجودش قیاسی نیست و خودبه‌خود منشأ آثار خاص خود می‌باشد. پس «مفهوم» نیست؛ بنابراین علم کلی، مسبوق به صورت خیالی و صورت خیالی مسبوق به صورت حسی است.

علاوه بر این، علامه طباطبائی متذکر می‌شود اشخاصی که برخی از حواس، مانند حس باصره یا حس سامعه را فاقدند، از تصور خیالی صورت‌هایی که باید از راه همان حس مفقود انجام دهند ناتوان‌اند (همان، ۱۳۶). آزمایش‌های علمی هم گواهی می‌دهد که هر کس فاقد یکی از حواس باشد، همان‌گونه که توانایی احساس و درک یک سلسله محسوسات مربوط به آن حس را ندارد، قدرت ادراک عقلی و کلی و تصور علمی آن را نیز ندارد. این جمله معروف ارسطو که «من فقد حساً فقد علماً» در همین زمینه گفته شده است؛ اما آن برهان و این آزمایش فقط در مورد تصورات و مفاهیمی بود که قابل انطباق بر محسوس باشند، از قبیل مفهوم انسان، درخت، مقدار، رنگ و شکل، نه در مورد تمام تصورات؛ زیرا بالضروره ذهن انسان دارای یک سلسله تصورات دیگر نیز هست که از راه هیچ‌یک از حواس قابل توجیه نیست و از راه‌های دیگری در ذهن حاصل می‌شوند. البته آن تصورات نیز از ابتدا در عقل موجود نیستند، بلکه ذهن پس از رسیدن به یک سلسله ادراکات حسی به روش‌های خاصی به آن‌ها نائل می‌شود (همان: ۱۸۸-۱۸۷). در کل، با توجه به این مطلب، درست گفته‌اند که علامه در بحث از رئالیسم، هم شکاکیت هستی‌شناختی را نقد می‌کند و هم شکاکیت معرفت‌شناختی را. در مقابل، هم رئالیسم هستی‌شناختی و هم رئالیسم معرفت‌شناختی را اثبات می‌کند (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۶۱)؛ اما این سازوکار را باید کمی توضیح دهیم.

علامه طباطبائی در مسئله معقولات و به‌ویژه معقولات ثانی منطقی و فلسفی، کلید حل معما را در علم حضوری یافته است. علامه طباطبائی دلایلی برای واقعی بودن اعتباریات ذکر می‌کند که می‌توان همان را به معقولات ثانیه هم تسری داد. بنا به عقیده علامه، در عالم هستی سه دسته مفاهیم قابل توجه‌اند: اول، مفاهیم حقیقی که در خارج مصداق واقعی

دارند؛ دوم، مفاهیم اعتباری که در خارج مصداق واقعی ندارند، اما عقل برای آنها مصداق اعتبار می‌کند؛ یعنی چیزی را که مصداق واقعی این مفاهیم نیست، مصداق فرض می‌کند؛ و سوم، مفاهیم وهمی یعنی ادراکاتی که هیچ‌گونه مصداقی در خارج ندارند و باطل محض هستند؛ مثل تصور غول و سیمرغ و شانس. بر اساس این تقسیم، اعتباریات جزء موهومات محض نیستند که هیچ‌گونه واقعیتی نداشته باشند. البته جزء حقایق و واقعیات عینی خارجی هم نیستند. در اینجا تنها یک راه باقی می‌ماند و آن این است که اعتباریات را امری بین موهومات محض و حقایق عینی بگیریم. بر این اساس برای این که اعتباریات موهوم محض نباشند، باید بهره‌ای از حقیقت و واقعیت را دارا باشند. البته بهره‌شان تا حدی است که آنها را در مرتبه‌ای از مراتب پایین‌تر خارج جای دهد (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۵).

این مطالب پایه‌ای می‌شود برای بحث از واقع‌نمایی سایر ادراکات. پس معلوم شد که از نظر علامه طباطبائی ماهیات اشیاء عیناً به ذهن می‌آیند. لذا همه مفاهیم بعدی هم که از فعالیت ذهن روی این ماهیات حاصل می‌شوند، درنهایت از طریق ماهیات به عالم خارج وصل می‌شوند. از این جهت، عالم واقع همان‌گونه که هست برای ذهن منکشف می‌شود. البته شیوه حصول معقولات ثانیه فلسفی متفاوت است. طبق تحلیلی که از نحوه حصول آنها صورت گرفت، معلوم شد که از نظر علامه طباطبائی معقولات ثانیه از وجود رابط قضایا حاصل می‌شوند. نکته کلیدی در اینجا همین است که به اعتقاد ایشان وجود رابط قضایا هم عیناً در عالم خارج تحقق دارد. از این رو، معقولات ثانیه از این طریق کاشف از عالم خارج هستند.

توضیح مطلب به این صورت است که از نظر علامه طباطبائی گزاره‌های ناظر به عالم خارج داریم که صادق هستند. صدق یک گزاره هم نمی‌تواند معنایی جز این داشته باشد که کاملاً منطبق بر یک واقعیت خارجی باشد؛ یعنی با تمام اجزایش بر عالم خارج منطبق شود. برای مثال گزاره «برف سفید است». صادق است و به همین سبب باید کاملاً و تماماً با مابازای بیرونی مطابقت داشته باشد؛ یعنی در عالم خارج باید هم «برف» داشته باشیم و هم

«سفیدی» و هم «است». در غیر این صورت نمی‌توان از صدق آن سخن گفت. این «است» خارجی عیناً به ذهن می‌آید و با نگاه استقلالی به آن معقولات ثانیه فلسفی متولد می‌شود. پس در نتیجه معقولات ثانیه فلسفی از طریق وجودهای رابطی که در ذهن و عین دقیقاً یکی هستند، کاشف از عالم واقع می‌شوند. در همین راستا این مطلب شایسته اشاره است که به نظر می‌رسد که از نظر علامه طباطبائی معقولات ثانیه منطقی از نوعی فعالیت روی ماهیات حاصل می‌شود و معقولات ثانیه فلسفی از نوعی فعالیت روی وجودهای رابط قضایا. با چنین نگاهی می‌توان گفت که ذهن تقریباً همان عین است. بر اساس این دیدگاه خطا بسیار حداقلی است و به عبارتی استثناء و انحراف از مسیر اصلی شناخت است. البته در آن صورت هم باز مشکل حادی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا از نظر علامه طباطبائی شناخت ذاتاً کاشف از عالم واقع است و لذا حتی در آنجایی هم که خطا دیده می‌شود، در باطن آن و با نگاه دقی یک معرفت درست نهفته است.

۷- نقد و بررسی

در اینجا به ذکر دو نکته جزئی بسنده می‌کنیم:

اول: نظریه علامه طباطبائی می‌خواهد همه معقولات ثانیه را تبیین کند؛ اما در عمل فقط برخی از مفاهیم فلسفی و مابعدالطبیعی را تبیین می‌کند. مشکل اصلی دامنه گسترده این نوع مفاهیم است. اگر حوزه معقولات ثانیه فلسفی را وسیع‌تر از مفاهیم متافیزیکی متعارف بدانیم، دچار مشکل می‌شویم. برای مثال اگر انواع مفاهیم نسبی و اضافی داشته باشیم، می‌توانیم معقولات ثانیه‌ای فرض بگیریم که مختص عالم مادی باشند و تفسیر آن‌ها بر پایه علم حضوری اشتباه است؛ زیرا این علم نمی‌تواند به آن‌ها تعلق بگیرد (فناپی اشکوری، ۱۳۷۵: ۱؛ ۲۳۲-۲۳۱)؛ اما این مطلب حرف عجیبی است. اولاً چگونه می‌توان یک مفهوم عام فلسفی را تصور کرد که فقط درباره عالم مادی صادق باشد؟ اساساً معقولات ثانیه فلسفی همان مفاهیم بسیار عامی هستند که شامل همه موجودات می‌شوند و نمی‌توانند منحصر به دسته خاصی باشند. اگر مفهومی فقط شامل اجسام مادی باشد، آن‌گاه یک مفهوم طبیعیاتی یا فیزیکی خواهد بود و نه یک مفهوم فلسفی و متافیزیکی. ثانیاً

پذیرفتن این مطلب بسیار دشوار است که یک معقول ثانی فلسفی جدید کشف شود. این مفاهیم به طور طبیعی در ذهن شکل می‌گیرند و لذا همه اذهان بشری از گذشته تا آینده به طور یکسان آن‌ها را واجدند. این مفاهیم از نوع مفاهیم اعتباری و اجتماعی-فرهنگی نیستند که توسط افراد برای مقاصد اعتباری و اجتماعی بر ساخته شوند. لذا از این جهت نیز فرض مستشکل قابل قبول نیست.

دوم: از طرف دیگر بیان علامه طباطبائی به گونه‌ای است که گویی مفاهیم وجوب، امکان و امتناع مستقیماً از عالم عین انتزاع می‌شوند. ولی هر دو وجه خالی از دشواری نیست؛ زیرا نه مفاهیم فلسفی مستقیماً از خارج قابل انتزاع‌اند و نه همه آن‌ها را از "وجود رابط" می‌توان انتزاع کرد. از این جهت، شاید موجه‌تر این باشد که برای تفسیر این مفاهیم، به جای مطالعه در درون یافته‌های حضوری، وجه دیگری از قبیل تحلیل قضایا بیابیم (فناپی اشکوری، ۱۳۷۵: ۱۸۳).

نقدی که مطرح است: اگر معقولات ثانی فلسفی، مابه ازای یا منشأ انتزاع خارجی دارند، در خصوص مفاهیم عدمی چه باید گفت؟ مضاف بر این که در فلسفه‌ای که قائل به اصالت وجود است بحث مطرح می‌شود بنابراین اشکال قابل بررسی این است که عدم مابازایی ندارد که از طریق علم حضوری ادراک شود یا با چیزی مقایسه گردد، چرا که فرض ما این بود که چنین مفهومی نمی‌تواند در خارج وجود پیدا کند (طباطبائی، ۱۳۶۲: ۱۴۵-۱۳۱). پس مفهوم عدم حقیقت مصداقش هیچ‌گاه در خارج تحقق پیدا نمی‌کند. در ذهن هم مصداق ندارند؛ زیرا اگر در ذهن مصداق داشته باشند به امری منقلب می‌گردد که وجود خارجی را می‌پذیرد. در واقع عدم چیزی نیست که وجود را انکار کند بلکه مفهومی است که به وجود معنا می‌بخشد. تنها راه ممکن برای حصول مفهوم عدم تحلیل حکم در قضایا است. اگر مفهوم عدم با تحلیل حکم در قضایا به دست می‌آید، سایر معقولات ثانیه فلسفی نیز باید به همین صورت حاصل شوند وگرنه لازم می‌آید تکرار در ادراک رخ دهد. پس طرح تحلیل حکم در قضایا توسط علامه یک راه نجات است؛ زیرا در غیر این صورت یا باید قائل به این شویم که عدم با علم حضوری ادراک می‌شود یا این که معقولات ثانیه

تقسیم‌بندی معقولات ثانیه فلسفی بر اساس نحوه شکل‌گیری و...؛ قبادی و هوشنگی | ۱۰۱

فلسفی روش‌های مختلفی به دست می‌آیند. ظاهراً هیچ‌کدام قابل قبول نیست؛ بنابراین باید گفت این مفاهیم از مصادیقی که در ذهن هستند انتزاع شده‌اند زیرا این مفاهیم یک سری علوم حصولی هستند که آثاری بر آن‌ها بار نمی‌شود؛ چراکه تشکیل یک مفهوم و یک علم حصولی در ذهن متوقف بر ارتباط مصداق آن مفهوم است، (همان: ۱۳۴). طرح علم حضوری توسط علامه هم به این دلیل است که انسان با تأمل بی‌واسطه در ذهن خود قضایا را تحلیل می‌کند. لذا در ادراک معقولات ثانیه متعلق علم حضوری قضیه است و نه وجودات عینی.

استاد مطهری (شاگرد علامه) به نظریه علامه طباطبائی؛ انتزاع معقولات ثانیه فلسفی از معانی حرفی توجه کرده که منشأ معقولات ثانیه فلسفی را انتزاع حکم از قضایا می‌داند. ایشان می‌گویند که غالب معقولات ثانیه از تبدیل معنای حرفی به اسمی حاصل می‌آید (مطهری، ۱۳۶۰: ۱۱۸). شهید مطهری در جای دیگر به انتزاع معقولات ثانیه فلسفی از معقولات اولی از علامه طباطبائی پیروی کرده است. وی عقیده دارد آن وجودات رابط خارجی مفاهیم فلسفی، در ابتدا در ذهن به صورت وجود رابط فهمیده می‌شوند که در این حال، رابط میان قضایا هستند. به عبارتی ابتدا در میان وجودات فی‌نفسه، حمل به صورت معانی اسمی ماهوی در ذهن صورت می‌گیرد که در این حمل، وجودی رابط میان دو طرف ارتباط ایجاد می‌کند که در حقیقت این وجود رابط میان قضایا، انعکاس ذهنی "وجود رابط" خارجی مفاهیم فلسفی است. ذهن با ادراک این وجود رابط به همان نحو "رابط" و "حرفی" برای درک آن به نحو استقلالی و فی‌نفسه نیز آماده می‌شود و به تدریج آن را از دو طرف خود تجرید کرده به صورت مستقل درک می‌کند. البته این تصور او از چگونگی انتزاع مفاهیم فلسفی در مورد مفهوم وجود کاملاً روشن است که به صورت خاص مورد توجه قرار گرفته است (مطهری، ۱۳۶۰: ۳۵۷-۳۵۶؛ مطهری، ۱۳۸۹: ۳۵۱-۳۵۰). از نظر استاد جوادی (شاگرد علامه) بدیهی‌ترین مفهوم تصویری و اولی‌ترین معنا همانا مفهوم وجود است و ذهن در مقام تصور قبل از هر چیزی با مفهوم هستی آشناست. وجود محمولی هر چیزی قبل از وجود ربطی آن است. لذا جهت این که برای ذهن معلوم شود

زید ایستاده است، باید معلوم شود که زید هست، قیام هست و... آنگاه که هستی و وجود معمولی دو طرف قضیه و یا لاقلاً یک طرف قضیه که موضوع آن باشد؛ بنابراین همواره، هست قبل از است و هستی پیش از استی شناخته می‌شود. به همین دلیل نمی‌توان گفت مفهوم هستی که معقول ثانی فلسفی است از تبدیل معنای حرفی وجود رابط به معنای اسمی وجود معمولی همانند بسیاری از مفاهیم معقول ثانی فلسفی (بنابر احتمال) حاصل شده است. البته جریان سایر مفاهیم هم به‌طور وضوح روشن نیست که از تبدیل حرف به اسم انتزاع شده باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۱۱۴-۱۱۱)؛ بنابراین از دیدگاه استاد جوادی تنها راه قابل قبول برای تبیین حصول معقولات ثانیه فلسفی همان راه عرفان و حکمت متعالیه است؛ یعنی شهود حقیقت هستی. در اینجا از نظر علامه یک نکته مهم و کلیدی وجود دارد. ایشان تصریح می‌کند که «جمیع ما نَعْقِلُهُ مِنْ سَنَخِ وَاحِدٍ» (طباطبائی، ۱۳۶۲: ۴۹). بر این اساس ادراکات انسان در هر زمینه یک نوع است و نمی‌توان قائل به تکرر آن‌ها شد. در باب ادراک معقولات ثانیه هم وضع به همین صورت است.

به‌طور کلی واقع‌نمایی در معرفت از نظر علامه طباطبائی مسئله‌ساز نیست؛ زیرا خاصیت معرفت است. اگر معقولات ثانیه فلسفی واقع‌نما نباشند، آنگاه شناخت عالم واقع غیرممکن است؛ اما شناخت عالم واقع غیرممکن نیست؛ پس معقولات ثانیه فلسفی واقع‌نما هستند. این در حالی است که ما می‌خواهیم در این قیاس شرطی با وضع مقدم، وضع تالی را نتیجه بگیریم: اگر معقولات ثانیه فلسفی واقع‌نما باشد، آنگاه شناخت عالم واقع ممکن است. اهمیت موضوع بحث ما نیز در همین جا برجسته می‌شود. وقتی پای ماهیت از ذهن بریده شود یا واقع‌نمایی آن از عالم خارج منتفی شود، نقش مفاهیم غیرماهوی پررنگ‌تر می‌شود. این مفاهیم همان معقولات ثانیه هستند؛ به عبارت دیگر، سرنوشت رئالیسم در فلسفه اسلامی به واقع‌نمایی معقولات ثانیه فلسفی گره خورده است. نکته قابل ذکر این‌که؛ علامه طباطبائی در پی این نبودند که واقع‌نمایی معقولات ثانیه را به خودی خود بررسی کنند. بلکه دغدغه ایشان ناظر به وضعیت کاملاً متفاوتی بود؛ می‌خواستند در برابر نظریات مارکسیستی رایج آن روزگار ایستادگی کنند. آن نظریات معرفت‌شناختی جنبه تجربه‌گرایانه رادیکال داشت

تقسیم‌بندی معقولات ثانیه فلسفی بر اساس نحوه شکل‌گیری و...؛ قبادی و هوشنگی | ۱۰۳

به طوری که در نهایت به گونه‌ای ماتریالیسم ختم می‌شود؛ ماتریالیسمی که علامه آن را نوعی سفسطه، یا به تعبیر خود آنان ایدئالیسم، می‌دانستند. منظور از این تعبیر این بود که آن دیدگاه در واقع به معنای نفی معرفت به حقیقت و امتناع شناخت عالم است.

۸- نتیجه‌گیری

در این نوشتار به بررسی دیدگاه علامه طباطبائی پرداختیم؛ از نظر علامه طباطبائی مفاهیم کلی سه قسمند: الف: معقولات اولیه ب: معقولات ثانیه؛ این معقولات اخیر نیز به دو قسم منطقی و فلسفی تقسیم می‌شود. معقولات ثانیه فلسفی ظرف عروضشان ذهن و ظرف اتصافشان خارج است. علامه طباطبائی معقولات ثانیه فلسفی را مفاهیمی اعتباری و غیرحقیقی می‌داند. ادراکات اعتباری مستقیماً صورت یک امر خارج از ذهن نیستند و از راه یکی از حواس خارجی یا داخلی وارد ذهن نشده‌اند، بلکه به ترتیب دیگری ذهن آن مفاهیم را تهیه کرده است؛ تمام معانی عامه فلسفه از این سنخ هستند.

از دیدگاه علامه طباطبائی نحوه شکل‌گیری معقولات ثانیه فلسفی این گونه است که پس از آن که معقولات اولی و رابطه‌ها به ذهن آمد این مفهوم از همان رابطه‌ها و بعضاً معقولات اولی انتزاع می‌شود. به طور کلی علامه طباطبائی دو راه برای حصول معقولات ثانیه فلسفی مطرح کرده است: علم حضوری و تحلیل حکم در قضایا. ابتکار علامه طباطبائی در معقولات ثانیه چگونگی حصول مفاهیم فلسفی است که وی مبنا و ریشه آن را در انتزاع مفهوم وجود از وجود رابط در قضایا می‌داند. تبدیل معنای حرفی به اسمی منشأ حصول معقولات ثانیه فلسفی است.

رنالیسم در یک تقسیم‌بندی کلی به دو نوع تقسیم می‌شود: خام و پیچیده. واقع‌نمایی معقولات ثانیه فلسفی از نوع رنالیسم پیچیده است. علامه طباطبائی واقع‌نمایی معقولات ثانیه را از طریق علم حضوری واکاوی می‌کند. در نحوه واقع‌نمایی معتقدند معقولات ثانیه فلسفی از طریق وجودهای رابطی که در ذهن و عین دقیقاً یکی هستند کاشف از عالم واقع می‌باشند. این واقع‌نمایی ذاتی معقولات است. بدین معنا که صور ادراکی انسان بالفعل خاصیت بیرون‌نمایی و کاشفیت دارند. اساساً ادراک و شناخت چیزی جز انکشاف عالم

واقع نیست. ما یا اساساً علم نداریم یا اگر علم داریم، علم به واقع داریم. علی‌الاصول علم به غیرواقع معنا ندارد. لذا در باب معقولات ثانیه فلسفی هم معنا ندارد که کاشف از چیزی غیر از عالم واقع باشند. معقولات ثانیه تصویر عالم واقع هستند و نه هیچ چیز دیگر؛ اما این مسئله مطرح می‌شود که دقیقاً تصویر چه چیزی هستند؟ ظاهراً معقولات اولی تصویر عالم واقع هستند و معقولات ثانیه ساخته ذهن. پس چگونه می‌توان معقولات ثانیه را با عالم واقع گره زد؟ در اینجا علامه طباطبائی نظریه خاص خود را مطرح می‌کند. از نظر او معقولات ثانیه مابازای خارجی دارند و این مابازاء چیزی نیست جز وجود رابط. از نظر علامه طباطبائی وجود رابط در عالم خارج حقیقتاً وجود دارد؛ اما در ادامه این سؤال پیش می‌آید که اگر وجود رابط در خارج وجود دارد، پس چه معنایی دارد که بگوییم معقولات ثانیه ساخته ذهن هستند و ذهن با نوعی عملکرد خاص آن‌ها را می‌سازد؟ اگر این ساخت‌وساز ذهن نبود، چه بسا مشکل واقع‌نمایی آن‌ها هم پیش نمی‌آمد. پاسخ طباطبائی برای این پرسش این خواهد بود که تنها کاری که ذهن می‌کند این است که از وجود رابط، مفهومی مستقل می‌سازد؛ به عبارت دیگر «است» را تبدیل به «هست» می‌کند؛ بنابراین از آنچه گفتیم می‌توان نتیجه گرفت از دیدگاه علامه طباطبائی معقولات ثانیه فلسفی در نحوه انتزاع و واقع‌نمایی سلسله مراتبی دارند که انقسام پذیرند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Farang Qobadi

Hossein Hoshangi



<http://orcid.org/0000-0000-4539-5015>



<http://orcid.org/0000-0003-3495-9589>

منابع

- برنز واستیون لو، الیزابت. (۱۳۹۳). *آموزش فلسفه*. ترجمه وحید صفری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوادی آملی عبدالله. (۱۳۷۵). *رحیق مختوم*، جلد ۵، قم: مرکز نشر اسراء. چاپ سوم.
- جوادی آملی عبدالله. (۱۳۸۷). *شناخت‌شناسی در قرآن*، قم، مرکز نشر اسراء.
- حسین زاده، محمد. (۱۳۸۰). *معرفت‌شناسی (سلسله اندیشه‌های بنیادین اسلامی)*. تهران: انتشارات موسسه پژوهشی امام.
- دادجو، ابراهیم. (۱۳۹۰). *مابعدالطبیعه از نظر ارسطو و ابن‌سینا*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سبزواری، ملاهادی. (۱۳۶۹). *شرح غررالفرائد یا شرح منظومه حکمت حاج ملاهادی سبزواری*. ترجمه میرزا مهدی مدرس آشتیانی به اهتمام عبدالجواد فلاطوری و مهدی محقق مقدمه انگلیسی پروفیسور توشیهیکو ایزوتسو. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- شیروانی، علی. (۱۳۷۷). *ترجمه و شرح نهائیه الحکمه*. جلد ۱. قم: بوستان کتاب. چاپ یازدهم.
- شیروانی، علی. (۱۳۸۶). *کلیات فلسفه*. تهران: انتشارات دارالفکر. چاپ اول.
- صادقی، رضا. (۱۳۹۱). *رنالیسم و نهیلیسم (نقدی بر مبانی معرفت‌شناختی ضد رنالیسم)*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۹). *ب: اصول فلسفه و روش رنالیسم*. توضیح و پاورقی مرتضی مطهری. تهران: انتشارات صدرا. چاپ یازدهم.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۶۲). *بدایه الحکمه*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۸۱). *نهائیه الحکمه*. شرح علی شیروانی. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۳۷۶). *الف: اصول فلسفه و روش رنالیسم*. شرح مرتضی مطهری. قم: انتشارات صدرا.
- عارفی، عباس. (۱۳۹۳). *معرفت و گونه‌های رنالیسم*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.
- عباسی، ولی‌الله. (۱۳۹۳). *رنالیسم هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی علامه طباطبائی*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.

- عبدالحسین، خسروپناه. (۱۳۹۰). *علامه طباطبائی فیلسوف علوم انسانی*. جلد ۲. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.
- عبودیت، عبدالرسول. (۱۳۸۹). *فلسفه مقدماتی (برگرفته از آثار شهید مرتضی مطهری)*. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- فنائی اشکوری، محمد. (۱۳۷۵). *معقول ثانی (تحلیلی از انواع مفاهیم کلی در فلسفه اسلامی و غرب)*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره). چاپ اول.
- قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۹۳). *دو نوع رئالیسم: خام و انتقادی*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.
- کرجی، علی. (۱۳۸۱). *اصطلاحات فلسفی و تفاوت آن‌ها با یکدیگر*. قم: انتشارات بوستان کتاب.
- مصباح، محمدتقی. (۱۳۹۳). *شرح اسفار*. جلد اول، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۰). *شرح منظومه*. جلد ۲، تهران: انتشارات حکمت. چاپ اول.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. جلد ۵، قم: انتشارات صدرا. چاپ هفتم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). *مجموعه آثار*. جلد ۹، تهران: انتشارات صدرا.
- موزر، پل. (۱۳۹۳). *رئالیسم (واقع‌گرایی) عینیت و شک‌گرایی*. ترجمه مرتضی فتحی زاده. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.

- Arefi, Abbas. (2013). *Knowledge and types of realism*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. First Edition. [in Persian]
- Abbasi, Waliullah. (2013). *Allameh Tabatabai's ontological and epistemological realism*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. First Edition. [in Persian]
- Abdul Hossein, Khosropanah. (2011). *Allameh Tabatabai, philosopher of human sciences*. Volume 2. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. First Edition. [in Persian]
- Burns and Steven Lowe, Elizabeth. (2013). *Teaching philosophy*. Translated by Vahid Safari. Tehran: Scientific and Cultural Publications. [in Persian]
- Dadjou, Ibrahim. (2011). *Metaphysics according to Aristotle and Avicenna*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing

- Organization. [in Persian]
- Fanai Ashkouri, Mohammad. (1996). *Al-Shani Sani (Analysis of all kinds of general concepts in Islamic and Western philosophy)*. Qom: Publications of Imam Educational and Research Institute. First Edition. [in Persian]
- Ghaemina, Alireza. (2013). *Two types of realism: crude and critical*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. First Edition. [in Persian]
- Hosseinzadeh, Mohammad. (2001). *Epistemology (series of fundamental Islamic ideas)*. Tehran: Publications of Imam Research Institute. [in Persian]
- Javadi Amoli Abdullah. (1996). *Rahiq Makhtoum*, Volume 5, Qom: Isra Publishing Center. Third edition. [in Persian]
- Javadi Amoli Abdullah. (2008). *Epistemology in the Qur'an*, Qom, Isra Publishing Center.
- Karaji, Ali. (2002). *Philosophical terms and their differences*. Qom: Bostan Ketab Publications. [in Persian]
- Misbah, Mohammad Taghi. (2013). *Description of Asfar*, first volume, Qom: Publications of Imam Khomeini Research Institute. [in Persian]
- Motahari, Morteza. (1981). *Description of the poem*, volume 2, Tehran: Hekmat Publications. First Edition. [in Persian]
- Motahari, Morteza. (2010). *Collection of works*, volume 5, Qom: Sadra Publications. The seventh edition. [in Persian]
- Motahari, Morteza. (2004). *collection*. Volume 9, Tehran: Sadra Publications.
- Moszer, Paul. (2013). *Realism, objectivity and skepticism*. Translated by Morteza Fathizadeh. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. First Edition. [in Persian]
- Sabzevari, Mollahadi. (1990). *The description of Gharral Al-Fareed or the description of the poetry of Hikmat Haj Mollahadi Sabzevari. Translated by Mirza Mahdi Modares Ashtiani with the efforts of Abdul Javad Falaturi and Mehdi Mohaghegh, with an English introduction by Professor Toshihiko Izutsu*. Tehran: Publishing and Printing Institute, University of Tehran. [in Persian]
- Shirvani, Ali. (1998). *Translation and explanation of the final wisdom*. Volume 1. Qom: Bostan Ketab. 11th edition
- Shirvani, Ali. (2007). *General philosophy*. Tehran: Dar al-Fekr Publications. First Edition. [in Persian]
- Sadeghi, Reza. (2011). *Realism and nihilism (a critique on the epistemological foundations of anti-realism)*. Tehran: Publications of the Islamic Culture and Thought Research Institute. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (2000). *B: The principles of*

philosophy and the method of realism. Explanation and footnote by Morteza Motahari. Tehran: Sadra Publications. 11th edition. [in Persian]

Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (1983). *The beginning of wisdom*. Qom: Community of Modaresin Publications. [in Persian]

Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (2002). *final wisdom Description of Ali Shirvani*. Qom: Bostan Ketab. [in Persian]

Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1997). *A: The principles of philosophy and the method of realism*. Commentary by Morteza Motahari. Qom: Sadra Publications. [in Persian]

Obudit, Abdul Rasul. (2010). *Introductory philosophy (taken from the works of Martyr Morteza Motahari)*, Tehran: Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA) and Humanities Research and Development Organization of Universities (SAT), Humanities Research and Development Center. [in Persian]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: قبادی، فرنک،، هوشنگی، حسین. (۱۴۰۱). تقسیم‌بندی معقولات ثانیه فلسفی بر اساس نحوه شکل‌گیری و واقع‌نمایی از دیدگاه علامه طباطبائی، فصلنامه علمی حکمت و فلسفه، ۱۸(۷۰)، ۸۵-۱۰۸.

DOI: 10.22054WPH.2022.61938.1992



Hekmat va Falsafeh (Wisdom and Philosophy) is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.